

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۳ نومبر ۲۰۱۱

ستراتیژی و تاکتیک

ستراتیژی به طور کلی عبارت است از تنظیم یک نقشه عمومی آرایش نیرو و تعیین سمت وارد آوردن ضربه اصلی برای تمام مرحله ای که مبارزه به خاطر پیشبرد این نقشه جریان دارد و تاکتیک به طور کلی عبارت است از تعیین شیوه های عملی در یک مبارزه مشخص و یک مدت نسبتاً کوتاه و مجموعه عملیاتی که برای پیشبرد این مبارزه و هدف کوتاه مدت انجام می گیرد.

ستراتیژی و تاکتیک در مبارزه انقلابی پرولتاریا و حزب آن معنا و اهمیت خاصی می یابد. در اینجا ستراتیژی و تاکتیک مجموعاً "علم رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا" را تشکیل می دهد. در این رابطه، استالین می گوید: "ستراتیژی عبارت است از تعیین سمت وارد آوردن ضربه اصلی پرولتاریا به اساس مرحله موجود انقلاب و تهیه نقشه مقتضی برای صف آرائی انقلابی (ذخایر عمده و فرعی) و مبارزه در راه پیش بردن این نقشه در طول مدت این مرحله از انقلاب"^۱

ستراتیژی در تمام طول یک مرحله معین اساساً تغییر نمی یابد و تنها با انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر عوض می شود. مثلاً مبارزه انقلابی به خاطر ایجاد سوسیالیسم در افغانستان از دو مرحله ستراتیژیک تشکیل می شود: مرحله اول انقلاب دموکراتیک نوین و مرحله دوم انتقال به سوسیالیسم این دو مرحله دو پروسه انقلابی را تشکیل می دهند که خصلتاً با یکدیگر تفاوت دارند. هدف و وظیفه مرحله نخست عبارت است از: سرنگونی سلطه امپریالیسم و طبقات وابسته به آن و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری پرولتاریا. ستراتیژی انقلابی در تمام طول این مرحله تغییر نمی کند و تنها پس از پایان این دوره و انتقال به مرحله بعدی است که ستراتیژی انقلاب عوض می شود و جای خود را به یک ستراتیژی منطبق با مرحله جدید، یعنی ساختمان سوسیالیسم می دهد.

^۱ - استالین: "راجع به اصول لنینیسم"

سر و کار ستراتیژی با نیرو های اساسی انقلاب، با نقشه های لازم جهت استفاده از قوای اصلی و فرعی انقلاب و استفاده از ذخایر مستقیم (یعنی متحدین پرولتاریا در داخل کشور، نهضت انقلابی در سایر کشور ها و کامیابی های دیکتاتوری پرولتاریا و پرولتاریای حاکم در کشور سوسیالیستی) و ذخایر غیر مستقیم (متحدین موقت، تصادمات و شکاف های میان طبقات، تضاد ها و تصادمات میان اردوگاه دشمن) است. استالین می گوید: "وظیفه رهبری ستراتیژیک آن است که از تمام این ذخایر برای نیل به مقصود اساسی انقلاب در مرحله مفروض از ترقی آن صحیحاً استفاده نماید."^۲

استالین استفاده صحیح از این ذخایر را چنین توضیح می دهد: "اولاً، تمرکز قوای عمده انقلاب در لحظه قطعی در ضعیف ترین نقطه دشمن، در وقتی که دیگر انقلاب کاملاً رسیده است (...) در وقتی که جلب ذخیره به طرف پیشاهنگ شرط قطعی موفقیت باشد (...) ثانیاً، انتخاب لحظه ضربت قطعی و شروع به قیام پس از این که اطمینان حاصل شود که بحران به عالیترین نقطه اوج خود رسیده است و پیشاهنگ تا آخرین رمق برای جنگ حاضر (...) است. ثالثاً، روبه و راهی را که اتخاذ شده با وجود همه و هر قسم مشکلات و پیچیدگی ها با کمال جدیت اجراء نمودن (...) و رابعاً نقل و انتقال نیرو های ذخیره برای عقب نشینی منظم در موقعی که دشمن قوی و عقب نشینی ضروری است و بی فایده بودن نبردی که دشمن تحمیل می کند از پیش محرز است."^۳

تاکتیک خلاف ستراتیژی تابع جزر و مد های نهضت است و "بنابر مقتضیات جزر و مد ها تغییر می یابد." استالین می گوید: "تاکتیک عبارت است از تعیین روش پرولتاریا در مدت نسبتاً کوتاه جزر یا مد نهضت، صعود یا نزول انقلاب و مبارزه در راه پیش بردن این خط مشی به طریق تبدیل اشکال کهنه به نو و از راه ترکیب این صور با یکدیگر و غیره... تاکتیک برای پیروزی در تمام جنگ کوشش نکرده، بلکه هدف آن پیروزی در این یا آن نبرد، این یا آن رزم، اجرای موفقانه این یا آن عملیات و تعرضات است که با موقعیت معینی از صعود یا نزول انقلاب مطابقت می نماید. تاکتیک جزئی از ستراتیژی است و مطیع و مجری اوامر آنست."^۴

"وظیفه رهبری تاکتیکی آنست که به همه اشکال مبارزه و تشکیلاتی پرولتاریا مسلط شود و استفاده صحیح از آنها را برای رسیدن به حداکثر نتیجه به اساس تناسب قوای موجود که برای تهیه مقدمات پیشرفت ستراتیژیک لازم است تأمین نماید."^۵

استفاده صحیح از این اشکال گوناگون مبارزه و تشکیلات به طور عمده عبارت است از: "اولاً، در درجه اول اهمیت قرار دادن آن اشکال مبارزه و تشکیلات که بیش از همه با شرایط فعال جزر و مد نهضت مناسب بوده و استعداد آن را داشته باشد که رساندن توده ها را به مواضع انقلابی و سوق دادن توده های میلیونی را به طرف جبهه انقلاب و جابه جا نمودن آنان را در جبهه تسهیل و تأمین نماید (...) ثانیاً، در هر لحظه معین پیدا کردن آن حلقه مخصوصی از زنجیر وقایع که با به دست گرفتن آن ممکن است تمام زنجیر را در دست نگاه داشت و شرایط را برای وصول به موفقیت ستراتیژیک حاضر نمود. مقصود آنست که از میان سلسله مسایلی که در برابر حزب قرار گرفته اند، مخصوصاً آن مسأله روز را باید جدا و انتخاب نمود که حل آن از همه لازمتر و مهمتر بوده و اجرای آن باعث حل سریع سایر مسایل روزمره می گردد."^۶

^۲ - استالین: "راجع به اصول لنینسم"

^۳ - همانجا

^۴ - استالین: "اصول لنینسم"

^۵ - همانجا

^۶ - همانجا

ستراتژی و تاکتیک در زمینه نظامی و به ویژه در زمینه مبارزه نظامی و جنگ انقلابی پرولتاریا مفهوم و جای ویژه ای را اشغال می کند. مائوتسه دون با روشن ساختن مبانی اصولی این علم و تدوین یک سلسله احکام و رهنمود های تاکتیکی و ستراتیژیکی، آموزش نظامی مارکسیسم را به طور خلاق رشد و تکامل داد. آثار نظامی مائوتسه دون گنجینه گرانبهائی بوده، منبع آموزش و رهنمای پیشروی پیروزمند پرولتاریا در جنگ انقلابی و پیکار های نظامی است. مائوتسه دون می نویسد که در زمینه نظامی ستراتیژی عبارت است از "مطالعه قوانین مسلط بر وضع کلی جنگ":

"وظیفه علم ستراتیژی مطالعه آن قوانین هدایت جنگ است که بر وضع کلی جنگ مسلط اند. وظیفه علم عملیات اپراتیو و علم تاکتیک مطالعه آن قوانین هدایت جنگ است که بر بخشی از وضع جنگی مسلط اند."⁷

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

⁷ - مائوتسه دون: "مسائل ستراتیژی در جنگ انقلابی چین"